irannewspaper.ir

شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۷۰۶
• اذان ظهر ۱۲/۱۱ • اذان مغرب ۱۸/۳۶ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۹ • اذان صبح فردا ۰۴/۴۰ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۰۴

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

حضرت محمد(ص):
اگر می توانید هر روز را نوروز کنید؛ یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با یکدیگر پیوند داشته باشید.

دعائم الاسلام، ج۲، ص۳۲۶

«پینوکیو» با عمو قناد در تالار هنر

نمایش «پینوکیو» به تهیه کنندگی مجید قناد به روی صحنه می‌رود. این نمایش نوشته سو آرنگو است که داود زارع آن را ترجمه، بازآفرینی و کارگردانی کرده است و از ۲۰ فروردین ساعت ۱۹ روی صحنه تالار هنر خواهد رفت. این نمایش به قصه معروف پینوکیو می‌پردازد که با طراحی جدید و استفاده از ترکیبی از بازیگران حرفه‌ای، کودکان و نوجوانان در تلاش است که ارتباط مفیدی با مخاطبین خود برقرار کند. /برنا

هنرنمایی مونا فرجاد در «کتابخانه نیمه‌شب»

دور دوم اجرای نمایش «کتابخانه نیمه‌شب» با بازی مونا فرجاد روی صحنه می‌رود. این نمایش به کارگردانی محمد ملک‌شاهی و تهیه‌کنندگی حسین کلهر زمستان سال گذشته با ۷۰ شب اجرا و ۱۵ هزار تماشاگر با بازی نیکی مظفری و محمد شعبانپور روی صحنه رفت و قرار است در سال جدید (اواخر فروردین‌ماه) دور دوم اجراهای خود را با حضور مونا فرجاد و محمد شعبانپور در تماشاخانه ملک آغاز کند. / مهر

دلیل لغو کنسرت حامد همایون چه بود؟

با وجود تبلیغات گسترده برای مراسم جشن عید فطر در میدان تاریخی ارگ کرمان که قرار بود با یک کنسرت و حضور گسترده و با نشاط مردم، مثل دیگر برنامه‌های چند ماه گذشته همراه شود، یکباره خبر رسید که این برنامه لغو شده است. لغو این کنسرت در حالی اعلام شد که مجوزهای آن از سوی نهادهای مربوطه صادر شده بود. اما به گفته اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، در تماس مدیرکل ارشاد این استان با شهردار کرمان، علت عدم برگزاری برنامه موارد و مشکلات داخلی شهرداری اعلام شده است. / ایسنا

یادداشت

سعید اسلام‌زاده
روزنامه‌نگار و منتقد هنری

تئاتر ایران و مقوله تئاتر خصوصی

آیا ما خواهان تئاتر خصوصی هستیم یا همین نحوه اداره تماشاخانه‌های خصوصی کار ما را راه می‌اندازد؟ آنچه در سال‌های اخیر در تئاتر ایران شکل گرفته، به هیچ وجه با معنای تئاتر خصوصی سازگاری نداشته است و صرفاً تماشاخانه‌داری و اجاره تالار نمایشی بوده است (البته از این موضوع بگذرم که عمده تماشاخانه‌های موجود واجد استانداردهای لازم برای اجرای تئاتر و امنیت بازیگران و تماشاگران نیستند). در این سال‌ها نهاد تئاتر در ایران دولتی مانده است و قدمی در راه خصوصی شدن که مؤثر باشد، برنداشته و هر اتفاقی که افتاده در راستای تقویت تماشاخانه دارانی بوده که سالن به گروه‌های تئاتری اجاره داده‌اند.

در حال حاضر با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های اجرا، نگرانی عمده گروه‌های تئاتری تأمین اجاره بهای سالن است.

تماشاخانه‌داران در واقع یک کار کاملاً اقتصادی می‌کنند و کارشان هیچ شباهتی به کار فرهنگی ندارد. آنها طبق قانون و قرارداد با مستأجرشان که همانا گروه تئاتری است مکانی را در اختیارشان می‌گذارند و اجاره بها دریافت می‌کنند. در حال حاضر با رقم این اجاره کاری ندارم. حرف این است که چرا تماشاخانه‌داران ما به شکل کمپانی تئاتری اداره نمی‌شوند. چرا از همان اول که قرار بود قانون مجوز برای تأسیس تماشاخانه خصوصی صادر شود، تماشاخانه‌دار به عنوان تولیدکننده تئاتر دیده نشده که هر کدام باید نویسنده و کارگردان و بازیگران و طراحان خاص خود را داشته باشند که در دوره‌های مختلف سال نمایشنامه‌ای را اجرا کنند و عوامل تئاتر هم از دارنده تماشاخانه دستمزد و حق‌الزحمه دریافت کنند. آیا این شیوه مدیریت تماشاخانه‌های خصوصی به نفع پیشرفت تئاتر ایران نبود؟

درحال حاضر تولید تئاتر در تماشاخانه‌های خصوصی به ندرت اتفاق می‌افتد. به نظرم مشکلی که ما در زمینه تئاتر خصوصی در ایران داریم، مشکل فرهنگی است. تئاتر ما عادت کرده است که از دولت پول بگیرد و در تالار دولتی هم کار روی صحنه ببرد؛ نمی‌شود این عادت چند ده ساله را با روش‌های نه چندان کارآمد در عرض چند سال تغییر داد. همچنان بسیاری از پیشکسوتان تئاتر معتقدند که بهترین شکل اجرای تئاتر همان روش قدیم است؛ آنچه جوانان تئاتری نمی‌پسندند.

تماشاخانه‌های خصوصی در این شکل مدیریت آسیب‌های جبران‌ناپذیری به تئاتر ایران زده‌اند. تماشاخانه‌ها هم برای تأمین هزینه‌های خود به ویژه اجاره بهای بالای ساختمان هر سالن خود را (در صورت دارا بودن چند سالن) در روز به سه گروه تئاتری اجاره بدهند. کمترین آسیب این روش کار تماشاخانه‌ها، حذف طراحی از تئاتر است. چرا که گروه‌ها بعد از اجرا فرصت جمع کردن دکور ندارند و گروه بعدی و تماشاگرش پشت در منتظر است تا کارش را اجرا کند. به ظاهر نه تماشاخانه مقصر است و نه گروه تئاتری. آنچه در این میان خسران می‌بیند، فقط تئاتر است. کیفیت نازل بسیاری از آثار به اسم کمدی بخش دیگری از آسیب این شیوه مدیریت تماشاخانه‌های خصوصی به تئاتر است.

اجرای کمدی و جذب تماشاگر به هر قیمتی و عقب نماندن از قافله سینمای کمدی و فروش‌های میلیاردی تئاتر را نیز به این صرافت انداخته که با اجرای کمدی می‌تواند پول بیشتری دربیاورد. اینجاست که دیگر فرقی بین تئاتر آزاد و تئاتر خصوصی نیست. هر دو می‌خواهند از ابتذال پول دربیاورند و اقتصاد گروه خود را بگردانند. از سوی دیگر حضور سلبریتی‌های عرصه‌های غیر نمایش و سینما از دیگر معضلات تماشاخانه‌های خصوصی است که ماجرای دراز دامنی دارد که باید در فرصتی دیگر به آن پرداخت.

من نکات شاد و تازه‌ای را نگفته‌ام. صرفاً خواستم یادآوری کنم که در فصل تازه هنر نیاز به تحول داریم و تحول جز با شناخت از آسیب‌ها به وجود نمی‌آید. ما اگر آسیب‌های تئاتر را نشناسیم، هزار بار هم میزگرد بگذاریم و حقایق را پشت مصلحت‌ها پنهان کنیم، باز باید از همان اول چرخ را اختراع کنیم. تئاتری‌های اصیل و منتقدان نگران وضعیت تئاتر هستند و بهبود اوضاع تئاتر از تماشاخانه‌های خصوصی بهتر و با سرعت بیشتری از تماشاخانه‌های دولتی توانایی بهبود اوضاع تئاتر را دارند. انتظار تماشای یک تئاتر خوب در هر ماه سال‌هاست که به دیدن یکی دو اثر در طول سال رسیده است و سقف آمال و آرزوهایمان در تئاتر کوتاه شده و برای بلندتر شدن سقف آرزوهایمان راهی جز گسترش تئاتر حرفه‌ای نداریم.

درباره راز تداوم حیات یک سریال تلویزیونی

چرا مردم پای تماشای پایتخت می‌نشینند؟

نقد

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

پایتخت هفت را فقط نمی‌توان یک سریال تلویزیونی دانست که این سریال، خود تلویزیون را از بحران مخاطب دست‌کم به شکل موقت نجات داد و بار دیگر پای تماشای تلویزیون کشاند. فارغ از ضعف و قوت‌ها و فراز و نشیب‌هایی که این سریال داشته و به اعتقاد برخی از مخاطبان و منتقدان با مرگ ناگهانی خشایار الوند، این سریال از دوران طلایی خود فاصله گرفت اما همین‌که این سریال به فصل هفتم رسیده و همچنان مخاطبان مشتاق تماشای آن هستند خود نشان از موفقیت این سریال دارد. واقعیت این است که هنوز هیچ سریال تلویزیونی به تعداد فصل‌های پایتخت نرسیده و هنوز هیچ‌کدامشان به اندازه پایتخت، کنجکاوی مخاطب را برای تماشا برنمی‌انگیزد. بی‌شک یکی از عوامل مهم موفقیت پایتخت در شخصیت‌پردازی و خلق کاراکترهای شناسنامه‌داری است که حالا دیگر به بخشی از حافظه بصری و تلویزیونی مخاطب بدل شده و مردم با تک‌تک آنها ارتباط سمپاتیک پیدا کرده‌اند. دوری از تیپ‌سازی و نزدیکی به شخصیت در کنار تنوع و تعدد این شخصیت‌ها که نسبت به آنها سابقه ذهنی وجود دارد در موفقیت این مجموعه خیلی مؤثر است. به دلیل همین شناخت از پیش موجود، مخاطبان مشتاق بودند بدانند کاراکترهای مورد علاقه‌شان قرار است چه قصه‌ای را برای آنها تعریف کنند و در چه موقعیت و ماجرایی قرار می‌گیرند. تضادها، تفاوت‌ها و حتی دوقطبی‌هایی که بین شخصیت‌های قصه وجود دارد از جمله نقی و ارسطو و پیرو آن کل‌کل‌هایی که بین آنها رخ می‌دهد از جمله دلایل این موفقیت است. با اینکه در هر قسمت یک شخصیت جدید به مجموعه اضافه می‌شود که به دلیل ویژگی‌های طنازانه خود بین مردم محبوب شده و پایتخت از معدود سریال‌های طنزی است که تعداد کاراکترهای بانمک آن زیاد است و هر کدام بخشی از بار کمیک قصه را به دوش می‌کشند. خلق کمدی موقعیت که البته از طنازی‌های فردی و طنز کلامی هم بهره می‌برد، یکی از عوامل موفقیت پایتخت است. طنز کلامی آن که بخشی در تکیه‌کلام‌های طنازانه بروز پیدا می‌کند در بین مردم رواج پیدا کرده و به اصطلاح گل می‌کند. در هر قسمت از پایتخت یک تکیه‌کلام یا تیک رفتاری جدید به شخصیت‌ها اضافه می‌شود که بین مردم محبوب شده و حتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این قسمت تکیه‌کلام بهتاش بیش از همه مورد توجه قرار گرفت. خود قصه و خرده‌روایت‌های فراوانی که در آن وجود دارد از جمله دلایل اصلی موفقیت این سریال است. پایتخت بیش از هر چیز قصه تعریف می‌کند که این قصه چند ویژگی مهم دارد؛ به زندگی واقعی و مسائل آن نزدیک است و تخیلی و فانتزی نیست، تعدد رخدادها و خلق موقعیت کمیک برساخته آن فراوان است، قصه جاده‌ای و ماجراجویانه‌ای دارد و ظرفیت تعلیق‌پذیری آن بالاست و کشش لازم برای پیگیری و تعقیب مخاطب را دارد. به همین دلیل مخاطب با آنها همراه شده و در یک حس همذات‌پندارانه قصه و آدم‌های قصه را دنبال می‌کند. بهره‌گیری درست از ظرفیت‌های بومی قصه یکی دیگر از ویژگی‌های پایتخت است که هم در قاب‌بندی‌های بصری و هم در بهره‌گیری از خرده‌فرهنگ و لهجه و گویش محلی قابل پیگیری است و از معدود سریال‌های ماست که مبتنی بر کمدی لهجه هم هست، به این معنا که از ظرفیت واژه‌سازی و دیالوگ‌پردازی آن سود می‌برد. پایتخت، تنها سریالی است که با شخصیت‌های بومی محبوبیت ملی پیدا کرده است. با این حال اغلب مخاطبان «پایتخت» حتی آنها که تماشاگران پروپا قرص و به اصطلاح فن آنند بر این باورند که دیگر این سریال، حس و حال سابق را ندارد. نه اینکه بد باشد اما مثل گذشته چنگی به دل نمی‌زند. بازی‌ها و بازیگرانش، طعم شیرین پیشین را ندارند و خلاصه اینکه این پایتخت، آن پایتخت نیست. گرچه به نظر می‌رسد فصل هفتم این سریال بهتر از فصل قبلی آن است و این یک گام به جلو محسوب می‌شود اما اینکه پایتخت از آن حس و حال پیشین فاصله گرفته هم سخن گزافی نیست. در چرایی این ماجرا البته باید عوامل فرامتنی را هم لحاظ کرد. واقعیت این است که «سریال پایتخت» صرفاً یک مجموعه نمایشی نیست، بلکه به عنوان بخشی از خاطره و حافظه جمعی ما در یک فرآیند و پروسه ۱۴ ساله از متن به فرامتن تبدیل شده است. گویی شخصیت‌های قصه به موازات زیست اجتماعی ما پیش آمدند و دچار دگردیسی شدند. مثل خود ما که در این دو دهه واندی، فراز و نشیب‌های فراوان دیدیم و دیگر آدم سابق نیستیم آنها هم زخم خوردند، سوگ دیدند، خیالشان خراش برداشته، همبستگی و همدلی قبل بینشان نیست، آن شور و شوق گذشته را ندارند و شمایلی از شرایط زمانه شده‌اند، حالا انگار این نوستالژی در تراژدی زمانه استحاله شده و ما را به حال آن روزها حواله نمی‌دهد. نقی به رونقی قبل نیست، هما مهربانی گذشته را ندارد. او که سنگ صبور همه بوده حالا خودش مشغول تراپی است. ارسطو، ارسطوی اسبق نیست. رحمت به شنگولی قبل نیست و در چشم‌های فهیمه انگار غمی نهفته است. خنده‌هایشان از عمق دل نیست،... دیگر آن شور و شوق را نمی‌توان در آنها سراغ گرفت. دل و دماغ ندارند. انگار ریشه‌های خوشی‌هایشان خشکیده و لبخند بر صورت‌شان ماسیده است. انگار شخصیت‌های قصه پایتخت پا به پای ما در این دو دهه از روزگار زمخت، زخمی شده‌اند.

با این همه اما همچنان پایتخت سریالی تماشایی است؛ هم به لحاظ دراماتیک و هم خاصیت نوستالژیک‌اش را حفظ کرده و می‌تواند با خیال و خاطره مخاطب ارتباط برقرار کند. هنوز هم آنچه در کانون درام قرار دارد، کانون خانواده است. خانه و خانواده به مثابه نهادی نجات‌دهنده که آخرین پناه هر انسان خسته از روزگار است. در واقع آنچه مهم‌ترین مؤلفه سریال پایتخت است مفهوم خانواده است. سریالی که هم خانواده را پای تماشای خود می‌نشاند و هم قصه‌ای خانوادگی دارد و خانواده را در مرکز روایت‌ها و حکایت‌های خود قرار داده است. گویی مردم تصویر و شمایلی از زندگی خود و خانواده خود را در آینه آن می‌بینند و گویی خانواده معمولی در این سریال خود به بخشی از خاطرات خانوادگی مخاطبان ایرانی تبدیل شده است. راز موفقیت سریال پایتخت و پایداری مخاطب در پیگیری و تماشای آن را باید در پایبندی خود قصه به مفهوم خانواده و التزام به کارکردهای آن دانست.

تعریف متفاوت طنز در سینمای ایران

نقل قول

اگر بخواهیم فقط در بخش فرهنگ بویژه تئاتر و نمایش اعم از تصویر و صحنه، بگوییم، اتفاقی که افتاد این است که تلویزیون موفق شد همه چیز را مبتذل کند و عمده‌ترین تقصیر گردن تلویزیون ماست.

ورود هجو و هزل به سینما و تئاتر ما از تلویزیون نشأت می‌گیرد، تلویزیون اسم هزل‌ترین کارها را طنز گذاشته است. هجو و هزل، مضحکه و کمدی و طنز هر کدام تعاریف متفاوتی دارند اما نام همه طنز شده است. همان قدری که در تمامی عرصه‌ها، واژه به واژه ما به لحاظ ارزش و معنا تغییر یافته است. کارمضحکه هم برای خودش جایی دارد و مخاطب دارد، اما اشکال در این است که این جنس برجسته شده است.

گزیده‌ای از گفت‌وگوی منتشر شده مسعود کرامتی کارگردان و بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون با ایرنا

پیشخوان فرهنگی

بازاندیشی در فرهنگ مردم‌پسند

بررسی و دانستن درباره شکل‌گیری فرهنگ مردم‌پسند همیشه جذاب است و علاقه‌مندان به این حوزه در کتاب‌های مختلف پیگیر مسائل جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی درباره این موضوع هستند. کتاب بازاندیشی در فرهنگ مردم‌پسند بهترین منبع برای خوانندگانی است که از طریق آن می‌توانند با چهار سرچشمه اصلی نظریه‌های فرهنگ مردم‌پسند آشنا شوند. نویسندگان به نقد ادبی، مکتب تاریخ‌نگاری فرانسوی (مکتب آنال)، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی به عنوان چهار سرچشمه مفهوم فرهنگ مردم‌پسند می‌پردازند. در هر یک از این سرچشمه‌ها مهم‌ترین نظریه‌پردازان و آثاری که بر شکل‌گیری نظریه‌های فرهنگ مردم‌پسند مؤثر بوده‌اند، به صورت مختصر اما دقیق، مورد بحث قرار می‌گیرند. این کتاب فهمی ژرف و دقیق از آنچه امروزه فرهنگ مردم‌پسند نامیده می‌شود، به دست می‌دهد. علاوه بر آن، در یک مقدمه مناسب از سوی ویراستار علمی ترجمه گستره نظری و مفهومی فرهنگ مردم‌پسند به بحث گذاشته شده است.

این کتاب توسط چاندرا موکرجی، شهناز شفیع‌خانی، مایکل شودسون و مسعود کوثری پدید آمده است و برای اولین‌بار در سال ۱۴۰۳ در ۱۴۱ صفحه وارد بازار نشر شده است.

سرنوشت مرگبار مسافران در «جزیره آزاد»

اگر پیگیر برنامه‌های هنری خانه هنرمندان هستید تماشای یک نمایش در سالن انتظامی را از دست ندهید. نمایشی با نام «جزیره آزاد» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا عطایی‌فر از دوشنبه ۱۸فروردین ۱۴۰۴ تا جمعه ۱۲اردیبهشت هر روز جز شنبه‌ها در ساعت ۲۰:۳۰ در سالن انتظامی خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود.

در خلاصه نمایشنامه این اثر آمده است: مسافرانی که برای تفریح و خوشگذرانی به یک جزیره آزاد دعوت شده‌اند، در ابتدا با استقبال گرم و میزبانی بی‌نظیر روبه‌رو می‌شوند اما پس از مدتی کوتاه، با اتفاق‌های خاصی که برایشان رخ می‌دهد تا سرحد مرگ پیش می‌روند.

علی حیدری، آراز دانش، امیرمحمد محمدی، امین ترکمان، امین ناظرفرد، بابک عبدی، بهامین یارمحمدی، بیتا شیری، پارسا موسوی‌زاده، صالح آجودان، سارا واحدنوعی، سحاب قاسمی، شقایق دهقان‌زاده، شیوا دهقان، سیمین تیزرو، علی کاظمی، مریم سلیمی، مهتاب افشار، هلیا حسنی و زهرا نادری بازیگران نمایش «جزیره آزاد» هستند.

کنسرت «آوای ملل»

۵۰ نوازنده بین‌المللی قرار است در یک کنسرت اشتراکات تاریخی، احساسی و هویتی ملت‌ها را با زبان موسیقی، شعر و فرهنگ بیان کنند. هنرمندان موسیقی از کشورهای ایران، ترکیه و جمهوری آذربایجان کنسرتی چندملیتی با نام «آوای ملل» را طی روزهای آینده اجرا می‌کنند. کامران همت‌پور تهیه‌کننده، پژوهشگر، ناشر و نوازنده موسیقی ایرانی ضمن تشریح تازه‌ترین فعالیت‌های این گروه موسیقایی بیان کرد: «بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که انجام گرفته طی روزهای آینده کنسرت چندملیتی «آوای ملل» به آهنگسازی و کارگردانی هنری فرشاد محمدی با خوانندگی وحید تاج از کشورمان و زابط نبی‌زاده از جمهوری آذربایجان برگزار می‌شود. این کنسرت تلاشی برای بازآفرینی پیوندهای فرهنگی از طریق زبان مشترک موسیقی است.»

این تهیه‌کننده در ادامه صحبت‌های خود بیان کرد: «ملودی‌های این کنسرت برگرفته از عناصر آشنای موسیقی نواحی‌اند؛ اما با فضاسازی‌های نو، گسترش ملودیک و حرکت‌های مدال پیچیده، هویتی تازه یافته‌اند. برخی قطعات نیز با الهام از آوازهای فولکلور منطقه ساخته شده و در فضایی ارکسترال بازسازی شده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر، با ساختار کاملاً جدید و تلفیق سازهای شرقی و غربی، تجربه‌ای منحصربه‌فرد به مخاطب ارائه می‌دهند.»

عید دیدنی‌های وزیر فرهنگ در نوروز ۱۴۰۴

گروه فرهنگی/ در دولت چهاردهم، سنتی ارزشمند پایه‌گذاری شده است که در آن رئیس جمهوری و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به دیدار بزرگان فرهنگ و هنر کشور می‌روند. این دیدارها که با عنوان «دیدار با بزرگان» شناخته می‌شود، فرصتی برای تکریم و قدردانی از مفاخر فرهنگی و هنری ایران است.

در طول ماه‌های اخیر، مسعود پزشکیان علی‌رغم مشغله‌های معمول، دیدارهای مختلفی با اصحاب فرهنگ و هنر به منظور تکریم اهالی فرهنگ و هنر داشت و برنامه‌های «دیدار با بزرگان» یکی از رئوس برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت وفاق بوده است.

مسعود پزشکیان همزمان با روز ملی هنرهای نمایشی همراه با سید عباس صالحی به خانه علی نصیریان آخرین بازمانده از پنج چهره برجسته سینمای ایران، عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، جمشید مشایخی و محمد علی کشاورز رفت. این دیدار در فضایی گرم و صمیمانه برگزار شد و بخش عمده آن به بیان خاطرات علی نصیریان از سال‌ها تلاش و کوشش برای اعتلای تئاتر و سینمای ایران گذشت. استاد نصیریان به عنوان یکی از پیشکسوتان هنر تئاتر ایران، وضعیت این روزهای این هنر و همچنین مطالبات اهالی تئاتر را نیز تشریح کرد و از رئیس جمهوری و وزیر فرهنگ درخواست چاره‌جویی درباره برخی مشکلات موجود داشت.

استاد نصیریان در این دیدار آوازی از مولانا خواند:

«ای سلیمان در میان زاغ و باز
حلم حق شو با همه مرغان بساز»

بعد از آواز استاد آقای رئیس جمهوری هم بیت

«حیلت رها کن عاشقا؛ دیوانه شو، دیوانه شو
و اندر دل آتش درآ؛ پروانه شو، پروانه شو»

از مولانا را خواند.

دست آخر رئیس جمهوری و وزیر فرهنگ و ارشاد با چند هدیه از استاد قدردانی می‌کردند.

عیدی موسوی گرمارودی به وزیر فرهنگ

صالحی وزیر فرهنگ در ادامه دیدارهای نوروزی برای عید دیدنی به خانه استاد سیدعلی موسوی گرمارودی شاعر ایران زمین رفت و ساعاتی با او همکلام شد.

این دیدار در فضایی گرم و صمیمانه برگزار شد و بخش عمده آن به صحبت درباره شعر و ادبیات و مرور اتفاقات این عرصه گذشت و استاد گرمارودی با بیان خاطرات، اشعاری را همراه با کتاب به وزیر فرهنگ و ارشاد هدیه کرد.

درخواست علیرضا زرین دست از وزیر فرهنگ

مقصد بعدی عید دیدنی سید عباس صالحی خانه علیرضا زرین‌دست از باسابقه‌ترین مدیران فیلمبرداری سینمای ایران بود.

سیدعباس صالحی در این دیدار ویژگی شخصیتی علیرضا زرین دست را که همواره خود را به‌روز نگه داشته است و همراه با پیشرفت تکنولوژی فعالیت کرده است ستود.

در این دیدار، استاد زرین‌دست درباره تحولات تکنولوژی در حوزه فیلمبرداری و کارکردهای هوش مصنوعی در این حوزه سخن گفت و بر لزوم تجهیز سینمای ایران به این تکنولوژی‌های جدید تأکید کرد.

او تأکید کرد که این تکنولوژی‌ها ظرفیت‌های جدیدی برای سینمای ایران ایجاد خواهد کرد و یادآور شد که سینمای ایران ظرفیت‌های موضوعی و محتوایی عمیقی در حوزه بین‌المللی دارد که می‌توان آن را به دنیا عرضه کرد.

استاد زرین‌دست همچنین به فیلم‌های اجتماعی در سینمای ایران اشاره کرد و خواستار توجه بیشتر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و این وزارتخانه به فیلم‌های اجتماعی شد.

عیادت وزیر فرهنگ از استاد سرشناس ارتباطات

وزیر فرهنگ روز عید فطر در ادامه دیدارهای نوروزی به خانه هادی خانیکی رفت. این چهره برجسته حوزه ارتباطات و رسانه چندی است خود و همسرش دچار کسالت شده‌اند که خوشبختانه روند بهبودی استاد خانیکی شرایط خوبی داشته است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دیدار با جویا شدن از وضعیت سلامتی هادی خانیکی و همسر گرامی‌اش درباره آخرین شرایط بیماری وی گفت‌وگو کرد. خانیکی نیز در این دیدار از فعالیت‌های این روزهای خود در حوزه رسانه، پژوهش و دانشگاه گفت و از دغدغه‌هایش در این عرصه سخن به میان آورد.

بررسی وضعیت امروز ایران، عملکرد دولت چهاردهم، رسانه‌های داخلی و خارجی، تغییرات اجتماعی و تحولات افکار عمومی، از جمله موضوعاتی بود که در این دیدار مطرح شد.

هادی خانیکی روزنامه‌نگار، کارشناس رسانه و از استادان سرشناس در رشته ارتباطات است.